



صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران

معاونت خبر

مدیریت
پژوهش

ریز قدرت آل خلیفه و برهم خوردن دو انگاره (۲)

اقدامات ظالمانه آل خلیفه از دید حقوق بین الملل و جامعه بین الملل ،

اخطار جدی جمهوری اسلامی ایران به دولت بحرین نقطه پایانی بر توهمات آل خلیفه

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>
– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooheshkhabar>

پژوهشگر: مرجان شریفزاده

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱	مقدمه
۲	ابعاد ضد حقوق بین‌الملل و ضد حقوق بشری سیاست های اخلیفه
۳	واکنشهای بین‌المللی به اقدامات ضد انسانی اخلیفه
۴	اخطار جمهوری اسلامی ایران به دولت بحرین، برهم زنده دو انگاره آل خلیفه
۶	سخن آخر
۷	ضمیمه

معاونت
خبر
صدا و سیما

بسمه تعالی

□ نکات برجسته

رفتارهای ضدحقوق بشری آل خلیفه در بحرین علیه شیعیان این کشور و به ویژه اقدام فراقانونی اخیر این حکومت دست نشانده در سلب تابعیت از شیخ عیسی قاسم، خلاف مقررات بدیهی حقوق بین‌الملل به ویژه در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی و نقض آشکار منشور حقوق بشر جهانی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

مفاد و مواد قانونی حقوق بین‌الملل خصوصی، منشور حقوق بشر جهانی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق بشر کشورهای اسلامی درباره حق تابعیت فرد براساس خواست خود فرد محرز و شفاف بیان کرده است.

وضعیت بی‌تابعیتی (آپاترید) خلاف یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است.

هیچ کشوری حق سلب تابعیت از تبعه خود را ندارد.

واکنش بین‌المللی به ویژه جمهوری اسلامی ایران به اقدام ظالمانه آل خلیفه علیه شیخ عیسی قاسم

□ مقدمه

در قسمت نخست این نوشتار ضمن مرور اجمالی رویدادهای اخیر بحرین، پیشینه مبارزاتی مردم بحرین علیه اشغالگران انگلیسی و چگونگی سلطه خاندان مهاجر و اقلیتی آل خلیفه را بر این جزیره از نظر گذراندیم؛ همچنین دلایل اتخاذ سیاست‌های ضد شیعی و ضد ایرانی دولت بحرین، انگیزه‌های عربستان سعودی از اعزام نیروی نظامی به بحرین، علل تبعیت محض آل خلیفه از آل سعود در تخصیص با ایران و تلاش برای نزدیکی هرچه بیشتر به ریاض، و نهایتاً اهداف ریزقدرت آل خلیفه از شاخ و شانه کشیدن برای جمهوری اسلامی ایران و تحریکات و تنش‌زایی‌های اخیر در منطقه را به طور خلاصه مرور کردیم. در این قسمت در نظر داریم ضمن بررسی اقدامات ضدانسانی آل خلیفه از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، نگاهی به واکنش‌های جامعه جهانی به موضوع داشته باشیم و در پایان تصورات و توهّمات آل خلیفه و اربابانشان را که در پی هشدار جدی سردار سلیمانی فروپاشید، واکاوی نمائیم.

□ ابعاد ضد حقوق بین‌الملل و ضد حقوق بشری سیاست‌های آل‌خلیفه

(بررسی و ارزیابی در این پژوهش بر اساس حقوق بین‌الملل خصوصی، منشور حقوق بشر جهانی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق بشر کشورهای اسلامی صورت گرفته است)

اقدام فراقانونی آل‌خلیفه در سلب تابعیت از شیخ عیسی قاسم، خلاف مقررات بدیهی حقوق بین‌الملل، و در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی کاملاً محکوم است.^۱ این اقدام ضد حقوق بشری دولت بحرین ناقض میثاق حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد است.^۲ میثاق حقوق سیاسی و مدنی سازمان ملل یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر به شمار می‌آید که به جهت بهره‌مندی از خصیصه الزام‌آور و پیش‌بینی کمیته حقوق بشر، به‌عنوان ساز و کار نظارتی بر اجرای مقررات آن از اهمیت زیادی در نظام حقوق بشر برخوردار است.^۳ آل‌خلیفه دارای رکورد جهانی سلب تابعیت از شهروندان است.^۴ چرا که از سال ۲۰۱۲ تا کنون حدود ۲۸۰ نفر در بحرین سلب تابعیت شده‌اند که حدود ۲۰۰ مورد از این سلب تابعیت‌ها فقط در سال ۲۰۱۵ صورت گرفته است.^۵ این در حالیست که اساساً به چند دلیل کشورها حق ندارند از شهروندان خود سلب تابعیت کنند:

۱- از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی مادامی که شهروندان یا اتباع یک کشور تابعیت جدیدی کسب نکرده‌اند، نمی‌توان تابعیت قبلی را از آنان سلب نمود؛ یعنی تابعیت شخص باید "پیوسته" باشد؛ به عبارت دیگر افراد ناگزیرند که پیوسته از لحاظ سیاسی با دولتی در ارتباط باشند و این ارتباط در هیچ لحظه‌ای نباید منقطع شود؛^۶ در غیر اینصورت وضعیت بی‌تابعیتی (آپاترید) ایجاد می‌شود و این خلاف یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است.

۲- مطابق بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هیچ کشوری حق سلب تابعیت از تبعه خود را ندارد. کشور بحرین نیز عضو این میثاق بین‌المللی است. اما آل‌خلیفه از مجازات سلب تابعیت به مثابه یک محکومیت کیفری استفاده می‌کند در حالیکه هیچ کشوری حق ندارد شهروندی را به لحاظ کیفری از تابعیت خود خارج نماید.^۷

۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر یک سند بین‌المللی است که مطابق آن هر کس حق دارد دارای تابعیتی باشد و نمی‌توان احدی را خودسرانه از تابعیت خود و یا از حق تغییر تابعیت محروم نمود.^۸ ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به این موضوع اشاره دارد که هر کس حق دارد دارای تابعیتی باشد و احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت و یا حق تغییر تابعیت محروم کرد.

۴- حق داشتن تابعیت در سایر اسناد و قوانین بین‌المللی هم مورد شناسایی و تأکید قرار دارد. معاهده ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۴ نیویورک و نیز معاهده ۱۹۶۱ وین بر لزوم حمایت قانونی از اشخاص بی‌تابعیت اشاره دارند و کنوانسیون حقوق کودک نیز به حق کودک متولد شده مبنی بر داشتن تابعیت مشخص تأکید می‌نماید. در کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه نیز آمده که به نفع جامعه است که

۱. بخش خبری ساعت ۲۱ سیما، گفتگو با اصغر زارعی کارشناس مسائل سیاسی، (۴/۴/۱۳۹۵)

۲. خبرگزاری فارس، گفتگو با علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، (۱/۴/۱۳۹۵)

۳. پایگاه اینترنتی حقوق گستر، (۱۵/۴/۱۳۹۵)

۴. خبرگزاری تسنیم به نقل از روزنامه رأی‌الیوم، (۲۴/۳/۱۳۹۵)

۵. نضال آل سلمان از مرکز حقوق بشر بحرین، تسنیم، (۲۴/۳/۱۳۹۵)

۶. نصیری، محمد؛ **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۶، چاپ شانزدهم

۱. بخش خبری ساعت ۲۱ سیما، گفتگو با اصغر زارعی کارشناس مسائل سیاسی، (۴/۴/۱۳۹۵)

۸. سخنرانی دکتر محسن یدایی استاد دانشگاه علامه طباطبایی در نشست «پیگیری حقوقی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحری»، دانشکده فرهنگی اجتماعی دانشگاه امام حسین، (۸/۴/۱۳۹۵)

هر فرد دارای یک تابعیت باشد. به نظر می‌رسد مقصود تدوین‌کنندگان این کنوانسیون توجه به لزوم حل رفع مشکل بی‌تابعیتی افراد و جلوگیری از رشد بی‌تابعیتی بوده‌است.

۵- مطابق ماده ۷ کنوانسیون اروپایی تابعیت، هیچ کشوری نباید براساس قانون داخلی خود، شخصی را، اگر تبدیل به فردی بی‌تابعیت گردد، از تابعیتش محروم کند.^۱

۶- در ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی که مورد استناد حاکمان بحرین نیز هست، آمده که هر انسانی به لحاظ الزام و التزام از یک شخصیت شرعی برخوردار است (منظور همان تابعیت است)، در ماده ۱۲ نیز آمده که هر انسانی بر طبق شریعت حق انتخاب مکان دارد. پس مشاهده می‌کنیم مبنای ما خواه قوانین و مقررات بین‌المللی باشد، خواه قوانین و اسناد اسلامی، در هر دو صورت رژیم حاکم در بحرین حق انجام چنین اقدامی را نداشته است.^۲

اما نکته قابل توجه اینجاست که خاندانی دستور به سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم داده‌اند که اساساً خود فاقد اصالت بحرینی هستند؛ آل خلیفه دارای اصالت حجازی می‌باشند که از صحرای نجد وارد بحرین شدند؛ اما شیخ عیسی قاسم شخصیتی است که با بیش از ۷۰ سال سن، در بحرین متولد شده و مقیم بحرین بوده و به‌عنوان رهبری مذهبی و دینی نزد مردم و گروه‌های مختلف بحرینی دارای جایگاه والایی است.^۳ آل خلیفه که خود هیچ اصالت فرهنگی ندارند، تابعیت کسی را از او سلب می‌کنند که ۳ دهه پیش از شکل‌گیری کشوری به نام بحرین و سال‌ها پیش از استقلال در آن به دنیا آمده و در عوض شهروندان خارجی را از پاکستان، بنگلادش، اردن و... به بحرین می‌آورند و در راستای تغییر بافت جمعیتی کشور به آن‌ها تابعیت بحرینی می‌بخشند. به گزارش جمعیت الوفاق، رژیم آل خلیفه طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ اقدام به اعطای بیش از ۹۵ هزار تابعیت بحرینی به اتباع خارجی کرده است.^۴ تا بتواند جمعیت شیعیان بحرین را از اکثریت خارج نماید. بر اساس پیش‌بینی‌ها، در صورت ادامه روند پذیرش مهاجر تا سال ۲۰۳۰، در حدود نیمی از جمعیت بحرین را افرادی تشکیل خواهند داد که به آن‌ها تابعیت اعطا شده است.^۵

□ واکنش‌های بین‌المللی به اقدامات ضد انسانی آل خلیفه

اقدامات ظالمانه و تبعیض‌آمیز دولت بحرین و تصمیم برای سلب تابعیت از رهبر معنوی شیعیان این کشور با موجی از مخالفت‌ها و اعتراضات جهان تشیع، نهادهای حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی و بسیاری از کشورها - البته غیر از عربستان سعودی، مصر و امارات - مواجه شده است.

بلافاصله پس از انتشار خبر سلب تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، جمهوری اسلامی ایران این اقدام دولت بحرین و تشدید رویکردهای امنیتی علیه رهبران دینی و ملی این کشور را به شدت محکوم کرد.

وزارت خارجه آمریکا نسبت به خبر لغو تابعیت شیخ عیسی قاسم واکنش نشان داد و ضمن محکوم کردن این اقدام، نگرانی عمیق واشنگتن از تصمیمات آل خلیفه در سلب خودسرانه تابعیت بحرینی شهروندان را اعلام کرد. اخیراً نیز هفت سناتور آمریکایی

۱. خبرگزاری مشرق، (۲۱/۴/۱۳۹۵)

۲. سخنرانی دکتر مسعود اخوان فرد عضو هیأت علمی دانشگاه مالک اشتر در نشست «پیگیری حقوقی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین»، دانشکده فرهنگی اجتماعی دانشگاه امام حسین، (۸/۴/۱۳۹۵)

۳. در انتهای این نوشتار به اختصار زندگینامه و فعالیت‌های مذهبی و سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی آورده شده است.

۴. روزنامه خراسان، (۱۴/۴/۱۳۹۵)

۵. سخنرانی دکتر محسن یدایی استاد دانشگاه علامه طباطبایی در نشست «پیگیری حقوقی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحری»، دانشکده فرهنگی اجتماعی دانشگاه امام حسین، (۸/۴/۱۳۹۵)

از جان کری وزیر امور خارجه آمریکا خواستند دولت بحرین را زیر فشار قرار دهد تا برای تقویت اصلاحات سیاسی و اجتماعی در این کشور بیشتر تلاش کنند.^۱

فرانسه نیز نسبت به اقدامات دولت بحرین در لغو تابعیت رهبر شیعیان این کشور ابراز نگرانی نمود. دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو هم با انتقاد از لغو تابعیت آیت‌الله عیسی قاسم توسط رژیم آل خلیفه، این تصمیم را به وضوح غیر منطبق با قوانین بین‌المللی و غیر قابل توجیه دانست.

کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل نیز از سلب تابعیت افراد در بحرین به شدت انتقاد نمود. پیشتر (هفتم مارس ۲۰۱۶) سازمان عفو بین‌الملل با بیان این که سلب تابعیت به بهترین سلاح دولت بحرین برای سرکوب مخالفان خود تبدیل شده است، نسبت به افزایش آن و اخراج اجباری شهروندان در این کشور هشدار داده بود. عفو بین‌الملل همچنین این اقدامات آل خلیفه را نقض آشکار حقوق بشر و قوانین بین‌المللی، به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین‌المللی در خصوص حقوق شهروندی و سیاسی خوانده بود. سازمان آمریکایی دموکراسی و حقوق بشر در بحرین این تصمیم مقامات رژیم آل خلیفه را اقدام علیه صلح داخلی در این کشور خواند. مرکز دموکراسی و حقوق بشر خلیج فارس در استرالیا نیز اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم و اخراج وی و خانواده‌اش از بحرین را محکوم کرد. مؤسسه دموکراسی و حقوق بشر آلمان - بحرین، این اقدام آل خلیفه را نوعی تروریسم برنامه‌ریزی شده دانست و آن را اعلان جنگ نامحدود علیه شیعیان توصیف کرد.^۲

حزب‌الله لبنان، مجلس وحدت مسلمین پاکستان، شورای زیدی یمن، جنبش مقاومت اسلامی نجبا، مجمع علمای اهل تسنن، جریان صدر و گروه مقاومت عصائب اهل‌الحق عراق - که دبیرکل^۳ آن اعلام کرد اگر آل خلیفه از خط قرمز عبور کند، این گروه آماده است تا از ملت بحرین در مبارزه با آل خلیفه حمایت کند - و ده‌ها شخصیت، نهاد و سازمان سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر، با محکوم کردن سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین، خواستار توقف اقدامات غیرانسانی و مغایر با حقوق شهروندی رژیم سفاک آل خلیفه علیه مردم بی‌دفاع بحرین شدند.

اما در این میان هشدار مقامات جمهوری اسلامی ایران به مقامات بحرین، با همه متفاوت و از جنس دیگری بود؛ سردار قاسم سلیمانی فرمانده رشید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی کوتاه اما مقتدرانه به رژیم جنایتکار بحرین اخطار داد آنچه آنان در توهمات خود نقطه پایان فرض کرده‌اند، نقطه آغازی است که انتهای آن، اضمحلال حتمی رژیم آل خلیفه خواهد بود.

□ اخطار جمهوری اسلامی ایران به دولت بحرین، برهم زنده دو انگاره آل خلیفه

طی انقلاب بحرین، سیاستی که بیش از هر سیاست دیگر از سوی آل خلیفه دنبال شد، «سلب تابعیت بحرینی‌ها» در مقابل «اعطای تابعیت به اتباع خارجی» بود و از آنجا که بیش از ۹۰ درصد شهروندان بحرینی سلب تابعیت شده از شیعیان این کشور بوده‌اند، آگاهان مسائل سیاسی از آن به «نسل‌کشی شیعیان»^۴ یاد می‌کنند؛ بدعت خطرناکی که رژیم آل خلیفه در حال ترویج آن است و بیم آن می‌رود حکومت‌های منطقه که به دشمنی با شیعیان معروفند، با روی آوردن به این سیاست، سرکوب و تضعیف شیعیان را تشدید نمایند.

اما برای آل خلیفه یا دقیق‌تر بگوئیم اربابان سعودیشان، به واسطه اشتباهات محاسباتی فاحش، دو توهم بزرگ ایجاد شده بود:

۱. خبرگزاری صدا و سیما، (۱۱/۴/۱۳۹۵)

۲. روزنامه اطلاعات، (۲/۴/۱۳۹۵)

۳. قیس‌الخرزلی

۴. خبرگزاری صدا و سیما، (۳۱/۳/۱۳۹۵)

۱- رژیم آل خلیفه به گمان اینکه مردم بحرین به دلیل عدم اتصال زمینی به ایران و جهان، چاره‌ای جز تن دادن به هر شرایطی که رژیم تعیین کند، ندارند؛ لذا مرتب بر دامنه فشارهای خود بر مردم بحرین می‌افزود و برای اقدامات ضد انسانی خود هیچ مانع و محدودیتی قائل نبود. آل خلیفه گمان می‌کرد شیعیان همواره چاره‌ای جز مبارزه مسالمت‌آمیز ندارند و پاسخ مشت آهنین به مطالبات مدنی آنان مشکلی برای حکام منامه در پی نخواهد داشت؛ اما نیروهای مبارز بحرین که تاکنون روش مسالمت‌آمیز و مقاومت مدنی را در دستور کار خود داشتند، در پرتو خطای استراتژیک آل خلیفه، آرایش تازه‌ای یافتند و در قالب تشکل‌های جدید و به صورتی عملیاتی، خود را سازمان‌دهی نمودند و به طور آشکار موازنه امنیتی را به نفع خویش تغییر دادند.^۱

۲- آن‌ها با تحلیل غلط از واکنش دیپلماتیک تهران نسبت به اعدام آیت‌الله شیخ نمر، روحانی برجسته شیعیان عربستان، دچار این توهم بودند که واکنش جمهوری اسلامی ایران در قبال سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم باز هم محدود به صدور چند بیانیه محکومیت‌آمیز و برگزاری چند تظاهرات مردمی شود و از این حد و مرز فراتر نرود؛ به زعم آنان از زمان روی کار آمدن حکام جدید عربستان، جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فتنه‌های منطقه‌ای در لاک دفاعی فرو رفته است.^۲

اما بیانیه کوبنده سردار سلیمانی، این اسطوره مقاومت اسلامی، خواب را از حکام بحرین ربود و توهماتشان را برهم زد؛ آنجا که با اشاره به گستاخی فزاینده آل خلیفه در برابر صبوری و نجابت مردم و سوءاستفاده از رویه مسالمت‌آمیز معترضان، اخطار دادند که عبور حکام بحرین از خطوط قرمز شیعیان می‌تواند این رویه را تغییر اساسی دهد و شرایط کاملاً متفاوتی را برای آل خلیفه رقم زند؛ شرایطی که سقوط این رژیم سفاک کمترین نتیجه آن خواهد بود؛ در همین راستا رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز ضمن بیان اشتباه محاسباتی آل خلیفه و اربابانشان، صراحتاً هشدار دادند: "شیخ عیسی قاسم کسی بود که تا امروز و تا وقتی که می‌توانست با مردم حرف بزند، از حرکات تند و مسلحانه مردم جلوگیری می‌کرد، مانع می‌شد. نمی‌فهمند که با چه کسی درافتاده‌اند، نمی‌فهمند که تعرض به شیخ عیسی قاسم یعنی برداشتن مانع از مقابل جوان‌های پرشور و پر حماسه بحرینی، این حماقت آن‌ها است، این بلاهت آن‌ها را نشان می‌دهد"^۳. بیانیه سردار سلیمانی که به وضوح مخاطب آن حامیان دولت بحرین هستند تا خود آن، حاوی این پیام است که اگر رفتارهای آل خلیفه و آل سعود با مردم بحرین خشن‌تر شود، یا به ساحت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم اهانتی روا داشته شود، لاجرم مسیر روش‌های مسالمت‌آمیز و مدنی بسته خواهد شد و به سمت شیوه‌های دیگری خواهد رفت؛ شیوه‌هایی که سردار سلیمانی از آن به انتفاضه خونین تعبیر کرده‌اند و پایان آن را نابودی آل خلیفه دانسته‌اند.

دومین اخطار، که از سوی تحلیل‌گران به اتمام حجت جمهوری اسلامی ایران با آل خلیفه ارزیابی شد، پیامی بود که در بیانیه سردار سلیمانی آمد و در بیانیه وزارت خارجه و موضع‌گیری رئیس قوه مقننه نیز با ادبیاتی دیگر تکرار و تأیید گردید؛ این اخطار حکایت از آن داشت که بر خلاف آنچه که منامه و ریاض می‌پنداشتند، جمع‌بندی جمهوری اسلامی ایران پیرامون سطح دفاع از مردم مظلوم بحرین تغییر کرده و تحرک جدی و جدیدی با هدف دفاع مؤثر از حقوق مردم بحرین پدید آمده است.

مدت‌هاست دولت پادشاهی بحرین که هیچیک از مؤلفه‌های قدرت (سرزمینی، جمعیتی، نظامی، اقتصادی...) را ندارد و قلمرو حاکمیتش از کوچک‌ترین استان ایران نیز کوچک‌تر است، اقدامات خصمانه خود را علیه ایران افزایش داده و در اتهام‌زنی به تهران جنبه افراط پیشه کرده است و به تأسی از اربابان سعودی خود با ایران جنگ دیپلماتیک به راه انداخته و حتی از رویارویی مستقیم با ایران سخن گفته است؛ در مقابل جمهوری اسلامی ایران رجز خوانی‌های مقامات بحرین را در حد جوک و لطیفه سیاسی دانسته و گستاخی‌ها و رفتارهای سفیهانه حکام بحرین را با سکوت پاسخ داده است؛ حتی با هدف حفظ دماء مسلمانان و جلوگیری از

۱. خبرگزاری فارس، (۷/۴/۱۳۹۵)

۲. روزنامه کیهان، (۱/۴/۱۳۹۵)

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم مورخ ۵/۴/۱۳۹۵

شعله‌ور شدن التهابات جدید در ممالک اسلامی، همواره رهبران مبارزین بحرینی را به صبوری و پرهیز از تغییر فضای مبارزه مدنی توصیه نموده است؛ اما امروز پیام سردار سلیمانی به آنان گوشزد نمود بحرین در وجدان عمومی جامعه ایرانی جایگاه دیگری دارد و این نه به دلیل سیاست‌های رسمی دولت، بلکه به واسطه پیوندهای عمیق اجتماعی و تاریخی و مذهبی، هویتی و نژادی است که چهار دهه جدایی، گسستی در آن ایجاد نکرده است؛ پیام سردار سلیمانی به آن مظاهر عقب ماندگی سیاسی هشدار داد نه مردم بحرین و نه هیچ مردم مظلوم دیگری از ایران جدا نیستند و ایران اسلامی پاره‌های تن خود را فراموش نخواهد کرد؛ ملاحظات سیاسی هیچگاه سبب آن نخواهند شد که مردم بحرین هیچ کمک مؤثری از خارج دریافت نکنند و بی‌پناه باقی بمانند؛ اخطار سردار سلیمانی نه تنها حکام بحرین، بلکه آل سعود و همپیمانان صهیونیستشان را در کانون عتاب خود داشت، آنجا که هشدار داد اگر بیش از این به تعدی به ساحت رهبر شیعیان و مردم بی‌دفاع بحرین ادامه دهند، «سراسر منطقه» از آتش خشم جمهوری اسلامی ایران شعله‌ور خواهد شد.



پژوهش

□ سخن آخر

سرویس اطلاعاتی عربستان سعودی GIP^۱ چندی پیش طی گزارشی به مقامات بحرینی اطمینان داده بود «هیچ راه زمینی بین بحرین و ایران وجود ندارد و راه‌های دریایی نیز کاملاً تحت کنترل است و حکومت ایران نمی‌تواند هیچ کمک نظامی و اقتصادی به مردم بحرین داشته باشد.»^۲

متعاقب بیانیه سردار سلیمانی دستگاه اطلاعاتی سعودی روز جمعه (۴/۴/۱۳۹۵) به آل خلیفه گزارش داد: با بیانیه قاسم سلیمانی احتمال می‌رود انقلابیون بحرین، کمک‌های مؤثری از خارج از این کشور دریافت کرده‌اند.^۳

طبیعتاً نتیجه مواجهه یک دولت وابسته، اقلیتی و نامشروع با زنان و مردان مجاهد و مقاومی که پرچم عزت و آزادگی برافراشته‌اند، سازش نمی‌پذیرند و در برابر فشارها عقب نشینی نمی‌کنند، روشن است. چنانچه تنها ده درصد از مبارزانی که قریب به شش سال است دست به قیام مسالمت‌آمیز زده‌اند دست به اسلحه برند، ریزقدرت آل خلیفه به سرعت متلاشی خواهد شد؛ چرا که ده درصد معترضین برابر است با ۶۰ هزار رزمنده‌ای که از سوی حدود ۶۰۰ هزار نفر پشتیبانی می‌شوند؛ در حالیکه عدد همه نیروهای نظامی و اداری و... رژیم منامه به ده‌هزار نفر هم نمی‌رسد.^۴ اقتدار معنوی و توان نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز نیازی به واگویی ندارد چرا که آن را دشمنان ایران اعم از مهمان‌کش و کودک‌کش، در جنگ هشت‌ساله و نبردهای نیابتی در عراق، سوریه و یمن به خوبی آزموده‌اند؛ پس به یاد داشته باشند با عبور از مرزهای فکری، اعتقادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران یکسره به گورستان تاریخ رهسپار خواهند شد.

۱. General Intelligence Presidency .۱

۲. خبرگزاری فارس، (۷/۴/۱۳۹۵)

۳. همان

۴. روزنامه کیهان، (۱/۴/۱۳۹۵)

شیخ عیسی قاسم کیست؟

آیت‌الله شیخ «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» رهبر شیعیان بحرین، رئیس شورای علماء و رهبر معنوی جنبش الوفاق بحرین، بزرگ‌ترین جمعیت شیعه معارض بحرینی است؛ او در سال ۱۹۳۸ میلادی در یک خانواده ماهی‌گیر در روستای «دراز»، از روستاهای اطراف منامه پایتخت بحرین دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس این روستا به پایان برد. شیخ عیسی قاسم تحصیلات علوم دینی خود را در دهه ۱۹۶۰ میلادی در بحرین، در محضر شیخ «علوی الغریفی» آغاز کرد و پس از آن در سال ۱۹۶۴ راهی نجف اشرف شد تا به تحصیل علوم دینی به‌ویژه فقه بپردازد. وی از جمله دانش‌آموختگان آیت‌الله شهید «سید محمد باقر صدر» است. پس از جدایی بحرین از ایران، تدوین قانون اساسی در دستور کار دولت بحرین قرار گرفت. در سال ۱۹۷۲ میلادی از او دعوت شد تا به بحرین بازگردد و در نوشتن قانون اساسی و ایجاد پارلمان مردمی شرکت نماید؛ ایشان به دستور آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر و شیخ محمد امین زین الدین به بحرین مراجعت کرد^۱ و موفق شد با بالاترین رأی به پارلمان بحرین راه یابد و در کنار جریان اسلام‌گرای پارلمان، نقش مهمی در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی بحرین ایفا کند. وی در همان سال، نامزد نمایندگی در مجلس ملی نیز شد و با به دست آوردن آرای لازم به این مجلس راه یافت و تا زمان انحلال مجلس ملی در آن باقی ماند.

در سال ۱۹۷۲ میلادی، در تأسیس «جمعیت التوعیه الاسلامی» شرکت نمود که هدف آن، جلوگیری از نشر افکار مارکسیستی در میان جوانان بود؛ شیخ عیسی قاسم ریاست این جمعیت را بر عهده داشت تا آنکه حکام بحرین در سال ۱۹۸۴ فعالیت آن را ممنوع اعلام کردند. از دیگر کارهای وی، تأسیس «جمعیت اسلامی روشنگری» در آغاز ورودش به بحرین بود. در سال ۱۹۷۵ میلادی مجلس ملی از طرف دولت بحرین منحل شد. شیخ عیسی قاسم راهی قم شد و از محضر مراجع عالیقدر آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی استفاده کرد تا اینکه به شهادت بزرگان حوزه به درجه فقاقت و اجتهاد نائل شد؛ پس از آن به تدریس بحث خارج فقه و اصول مشغول گشت. سفر شیخ به ایران در شناسایی او به‌عنوان عالمی متدین و شجاع تأثیر بسیار داشت و رهبر معظم انقلاب اسلامی با همین شناخت شیخ را به‌عنوان نماینده بحرین در مجمع جهانی اهل بیت برگزیدند^۲. خصوصیات چون علم، پرهیزگاری و اخلاص در کنار مهربانی و فروتنی، به او جایگاه مردمی بی‌همتایی در بحرین داده و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز توصیفی دلنشین از ایشان داشته‌اند؛ معظم‌له آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را «ستاره‌ای در آسمان تشیع» توصیف کردند و فرمودند: اینجانب به وجود شیخ افتخار می‌کنم^۳. در سال ۱۹۹۴ که مردم بحرین برای دفاع از مطالبات مشروع خود تحرکاتی را آغاز کردند، ایشان از دور رهنمودهای لازم را به مردم می‌دادند به نحوی که سخنانشان در سخت‌ترین لحظات اثرات چشم‌گیری در روحیه دادن به مبارزان داشت. شیخ عیسی قاسم تا اواخر سال ۱۳۷۹، هشتم مارس سال 2001 میلادی، در قم اقامت داشت و مشغول به تحصیل بود. پس از بهتر شدن نسبی شرایط سیاسی در سال ۲۰۰۱ به بحرین بازگشت و به خواست مرجعیت، زمام هدایت ملت بحرین را به عهده گرفت^۴.

شیخ عیسی قاسم در سال ۲۰۰۴ مجلس علمای اسلامی بحرین را تأسیس کرد، این مجلس مسائل زیادی از جمله هدایت صحیح جوانان از لحاظ فکری، عقیدتی، دینی و تربیتی، به وجود آمدن نسلی نو و قوی از نظر دفاع از عقاید صحیح شیعه و برخوردار از

۱. خبرگزاری فارس، (۳۱/۳/۱۳۹۵)

۲. روزنامه اعتماد، (۱/۴/۱۳۹۵)

۳. خبرگزاری مشرق، (۱/۴/۱۳۹۵)

۴. خبرگزاری تسنیم، (۳۱/۳/۱۳۹۵)

اخلاق و تربیت عالی دینی را دنبال می‌کند. ایشان در دور اول، ریاست این مجلس را به عهده داشت و ریاست دوم مجلس زیر سایه راهنمایی‌های ایشان فعالیت می‌کند.^۱

پس از آغاز خیزش مسالمت‌آمیز مردم بحرین در سال ۲۰۱۱، شیخ عیسی قاسم به صورت عملی رهبر این انقلاب شد و تاکنون توانایی خود را در هدایت قشرهای مختلف مردم به اثبات رسانده است. دولت بحرین تاکنون چندین بار به منزل وی یورش برده و او را تحت فشار گذاشته است اما اینک در ادامه فشار بی‌سابقه به انقلابیون، قصد دارد با سلب تابعیت او را از این کشور طرد کند؛ در حالیکه آل خلیفه به خوبی آگاه است که این اقدام به شدت تحریک‌آمیز و سبب تشدید نارضایتی‌های مردمی و افزایش بی‌ثباتی سیاسی در این کشور خواهد بود. کارشناسان این تصمیم آل خلیفه را احمقانه ارزیابی کرده‌اند؛ به این دلیل که شیخ عیسی قاسم از یک خانواده قدیمی بحرینی است که حتی از خاندان حاکم نیز اصالت بیشتری در این جزیره شیعه نشین دارد و سلب تابعیت شیخ، حاوی این پیام به شهروندان حقیقی بحرین است که آن‌ها نیز باید سرزمین آبا و اجدادی‌شان را ترک کنند.^۲ به محض اعلام خبر سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم، نیروهای امنیتی ایشان را تهدید کردند که بلافاصله بحرین را ترک کند، اگر نه به زور متوسل خواهند شد.

پژوهش
خبری
معاونت
خبر
صدا و سیما

۱. خبرگزاری العالم، (۱/۴/۱۳۹۵)

۲. روزنامه وطن امروز، (۱/۴/۱۳۹۵)